



The Role of Psychosocial Interventions in Enhancing Community Resilience during the Third Imposed War (Ramadan War)

Ahad Noori Asl ^{1*} | Hassan Khodadi ²

1- Corresponding Author: Ph.D. Graduate in Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran.

ahad.noori@alumni.ut.ac.ir

2- Assistant Professor of Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. h.khodadi@umz.ac.ir

Volume info

Vol. 18
Summer 2026
P.P: 63-92

Article Type

Research Paper

Article History

Received:

2026-05-19

Revised:

2026-07-08

Accepted:

2026-07-23

Published:

2026-08-31

ISSN – E-ISSN

ISSN: 3115-7947
E-ISSN: 3115-7521



Abstract

Ramadan War is considered one of the most complex examples of hybrid warfare in the contemporary history of West Asia. Beyond its military and security dimensions, it generated extensive psychological and social consequences. In hybrid wars, military, cyber, media, and cognitive tools are employed simultaneously, targeting not only physical infrastructure but also social cohesion, social capital, and societal resilience. This study aims to evaluate psychosocial interventions for enhancing societal capability in confronting hybrid warfare, focusing on the Ramadan War as a case study. The research adopts a qualitative approach using semi-structured interviews with experts in social psychology, crisis management, sociology, and security studies. Participants were selected through purposive sampling until theoretical saturation was reached. Data were analyzed through thematic analysis and three-stage coding procedures. Findings indicate that the major psychosocial consequences of the Ramadan War included collective anxiety, feelings of insecurity, cognitive disruption, spread of misinformation, and psychological instability. The findings further reveal that interventions such as stress management training, strengthening social support networks, transparent information management, cultural and religious activities, and psychological support services were among the most effective mechanisms for improving societal resilience. The results suggest that psychosocial interventions function as mediating factors between hybrid warfare impacts and the enhancement of social resilience, thereby increasing society's adaptive capacity for future crises.

Keywords: Ramadan War, Hybrid Warfare, Psychosocial Interventions, Social Resilience.

Cite this article: Nouri Asl, Ahad, & Khodadadi, Hassan. (1405). The Role of Psychosocial Interventions in Strengthening Community Resilience During the Third Imposed War (Ramadan). *Social Crisis Management*, 18(2), 63–92.

[DOR: 20.1001.1.31157947.1405.18.2.3.9](https://doi.org/10.31157947.1405.18.2.3.9)



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



نقش مداخلات روانی- اجتماعی در تقویت تاب‌آوری جامعه در جنگ تحمیلی سوم (رمضان)

احد نوری اصل^{۱*} | حسن خدادی^۲

ahad.noori@alumni.ut.ac.ir

h.khodadi@umz.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

جنگ رمضان به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های جنگ‌های ترکیبی در تاریخ معاصر غرب آسیا، علاوه بر ابعاد نظامی و امنیتی، پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های روانی و اجتماعی برجای گذاشت. در این نوع جنگ‌ها، ابزارهای نظامی، رسانه‌ای، سایبری و شناختی به‌صورت هم‌زمان به‌کار گرفته می‌شوند و هدف آن‌ها صرفاً تخریب زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه تضعیف انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری جامعه نیز دنبال می‌شود. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مداخلات روانی- اجتماعی برای افزایش توانمندی جامعه در مواجهه با جنگ‌های ترکیبی و با مطالعه موردی جنگ رمضان انجام شده است. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، مدیریت بحران، جامعه‌شناسی و مطالعات امنیتی است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. داده‌های گردآوری‌شده از طریق روش تحلیل مضمون و کدگذاری سه‌مرحله‌ای مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد مهم‌ترین پیامدهای روانی- اجتماعی جنگ رمضان شامل اضطراب جمعی، احساس ناامنی، آشفتگی شناختی، گسترش شایعات و کاهش اطمینان روانی بوده است. همچنین مداخلاتی نظیر آموزش مهارت‌های مقابله با استرس، تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی، مدیریت و شفاف‌سازی اطلاعات، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و ارائه خدمات روان‌شناختی حمایتی از مؤثرترین راهبردهای ارتقای تاب‌آوری جامعه محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مداخلات روانی- اجتماعی نقش میانجی مؤثری میان پیامدهای جنگ ترکیبی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی ایفا می‌کنند و می‌توانند ظرفیت جامعه را برای مواجهه با بحران‌های آینده افزایش دهند.

کلیدواژه‌ها: جنگ رمضان، جنگ ترکیبی، مداخلات روانی- اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، مدیریت بحران، جنگ شناختی.

سال و شماره

سال ۱۸

تابستان ۱۴۰۵

صص: ۹۲-۶۳

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۷۹۴۷-۳۱۱۵

الکترونیکی: ۷۵۲۱-۳۱۱۵



استناد: نوری اصل، احد و خدادی، حسن . (۱۴۰۵). نقش مداخلات روانی- اجتماعی در تقویت تاب‌آوری جامعه در جنگ

تحمیلی سوم (رمضان). مدیریت بحران‌های اجتماعی، ۱۸(۲)، ۹۲-۶۳.

[DOR: 20.1001.1.31157947.1405.18.2.3.9](https://doi.org/10.1001.1.31157947.1405.18.2.3.9)

© نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

تحولات چند دهه اخیر نشان می‌دهد که ماهیت جنگ‌ها و تهدیدات امنیتی دستخوش تغییرات بنیادین شده است. برخلاف جنگ‌های کلاسیک که هدف اصلی آن‌ها انهدام توان نظامی و اشغال سرزمین بود، در جنگ‌های نوین، عرصه تقابل از میدان‌های نظامی فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، روانی، شناختی و رسانه‌ای را نیز دربر گرفته است. در این چارچوب، مفهوم «جنگ ترکیبی» به یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطالعات امنیتی تبدیل شده است. هافمن جنگ ترکیبی را به کارگیری هم‌زمان و هماهنگ ابزارهای نظامی، اطلاعاتی، رسانه‌ای، سایبری، اقتصادی و روانی برای دستیابی به اهداف راهبردی می‌داند و معتقد است که در این نوع جنگ‌ها، تأثیرگذاری بر ادراک، اراده و رفتار جامعه هدف، به اندازه موفقیت در میدان نبرد اهمیت دارد (هافمن، ۲۰۰۷). بر این اساس، جامعه دیگر صرفاً پشتیبان جنگ نیست، بلکه خود به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل تبدیل می‌شود و انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و امنیت روانی شهروندان به عنوان اهداف مستقیم جنگ مورد تهدید قرار می‌گیرند.

در چنین شرایطی، رویکردهای نوین مدیریت بحران، توجه ویژه‌ای به مفهوم تاب‌آوری اجتماعی دارند. نوریس و همکاران (۲۰۰۸) تاب‌آوری اجتماعی را ظرفیت جامعه برای مقاومت، سازگاری، بازیابی و یادگیری در مواجهه با بحران‌ها تعریف می‌کنند و معتقدند این ظرفیت بیش از هر چیز تحت تأثیر سرمایه اجتماعی، شبکه‌های حمایتی، ارتباطات مؤثر و اعتماد عمومی قرار دارد (نوریس و همکاران، ۲۰۰۸). از این منظر، جوامعی که از سرمایه اجتماعی و پیوندهای اجتماعی قوی‌تری برخوردارند، توان بیشتری برای کاهش آثار بحران، حفظ انسجام اجتماعی و بازگشت به شرایط عادی خواهند داشت. همچنین پاتنام در نظریه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که اعتماد، مشارکت اجتماعی و تعامل میان شهروندان و نهادها، از مهم‌ترین منابع افزایش ظرفیت جامعه برای مواجهه با مخاطرات و بحران‌های جمعی به شمار می‌روند (پاتنام، ۲۰۰۰). بنابراین، تقویت تاب‌آوری اجتماعی صرفاً به معنای افزایش توان دفاعی نیست، بلکه مستلزم تقویت ظرفیت‌های روانی، اجتماعی و ارتباطی جامعه نیز هست.

بر همین اساس، مداخلات روانی- اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی، حمایتی، ارتباطی، فرهنگی و روان‌شناختی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی

در شرایط بحران محسوب می شوند. این مداخلات با کاهش اضطراب جمعی، تقویت شبکه های حمایت اجتماعی، مدیریت صحیح اطلاعات، مقابله با شایعات، افزایش احساس امنیت روانی و ارتقای اعتماد عمومی، زمینه سازگاری جامعه با شرایط بحرانی و کاهش آسیب های ناشی از آن را فراهم می کنند. از این رو، در جنگ های ترکیبی که فشارهای روانی و شناختی هم تراز با تهدیدات نظامی عمل می کنند، طراحی و اجرای مداخلات روانی_اجتماعی از الزامات اساسی مدیریت بحران و حفظ انسجام اجتماعی به شمار می رود.

جنگ رمضان به عنوان یکی از نمونه های معاصر جنگ ترکیبی، علاوه بر ابعاد نظامی، پیامدهای گسترده ای در حوزه های روانی، اجتماعی و شناختی بر جامعه بر جای گذاشت و اهمیت توجه به راهبردهای تقویت تاب آوری اجتماعی را بیش از پیش آشکار ساخت. با وجود گسترش مطالعات مربوط به جنگ های ترکیبی، بخش عمده پژوهش های انجام شده بر ابعاد نظامی، امنیتی و ژئوپلیتیکی این جنگ ها متمرکز بوده اند و نقش مداخلات روانی_اجتماعی در کاهش پیامدهای روانی و اجتماعی و تقویت تاب آوری جامعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت بررسی علمی سازوکارهای مداخله روانی_اجتماعی در شرایط جنگ های ترکیبی را آشکار می سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مداخلات روانی_اجتماعی در تقویت تاب آوری جامعه با تأکید بر تجربه جنگ رمضان انجام شده است و در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که مداخلات روانی_اجتماعی چگونه می توانند در شرایط جنگ ترکیبی، با تأکید بر تجربه جنگ رمضان، به تقویت تاب آوری جامعه و کاهش پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از بحران کمک کنند؟

مبانی نظری پژوهش

شناخت ابعاد نظری و مفهومی پژوهش، یکی از مهم ترین مراحل تبیین علمی پدیده های پیچیده اجتماعی و امنیتی محسوب می شود. از آنجا که جنگ رمضان در چارچوب جنگ های ترکیبی قابل تحلیل است، بررسی پیشینه تحقیق، مبانی نظری مرتبط با جنگ های نوین، پیامدهای روانی_اجتماعی بحران ها، مفهوم تاب آوری اجتماعی و الگوهای مداخله روانی_اجتماعی

می‌تواند درک عمیق‌تری از سازوکارهای اثرگذاری این پدیده فراهم سازد. در این بخش تلاش می‌شود ضمن مرور مطالعات پیشین، چارچوب نظری و مفهومی پژوهش برای تحلیل روابط میان متغیرهای اصلی تبیین شود.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

شناخت دقیق مفاهیم کلیدی، یکی از پیش‌نیازهای تبیین چارچوب نظری هر پژوهش است. در مطالعات مرتبط با جنگ‌های ترکیبی، تاب‌آوری اجتماعی و مدیریت بحران، مفاهیمی همچون مداخلات روانی-اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، جنگ ترکیبی و جنگ رمضان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تعریف این مفاهیم، ضمن ایجاد وحدت رویه در برداشت از متغیرهای پژوهش، زمینه تحلیل یافته‌ها را بر اساس ادبیات علمی فراهم می‌سازد.

مداخلات روانی-اجتماعی: مداخلات روانی-اجتماعی به مجموعه‌ای از اقدامات سازمان یافته در حوزه‌های روان‌شناختی، اجتماعی، آموزشی و حمایتی اطلاق می‌شود که با هدف کاهش پیامدهای روانی بحران‌ها، ارتقای سلامت روان، تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی و افزایش توان سازگاری افراد و جوامع طراحی و اجرا می‌شوند. این مداخلات علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای روان‌شناختی آسیب‌دیدگان، بر تقویت انسجام اجتماعی، افزایش احساس امنیت، ارتقای اعتماد عمومی و بازسازی سرمایه اجتماعی نیز تأکید دارند. بر اساس دستورالعمل کمیته دائمی بین‌سازمانی سازمان ملل متحد، مداخلات روانی-اجتماعی باید تمامی سطوح حمایت فردی، خانوادگی و اجتماعی را در شرایط بحران پوشش داده و به عنوان بخشی از فرآیند مدیریت بحران مورد توجه قرار گیرند. (IASC, 2007)

تاب‌آوری اجتماعی: تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت جامعه برای مقاومت، سازگاری، بازیابی و ادامه کارکردهای اساسی در برابر بحران‌ها و تهدیدات اطلاق می‌شود. نوریس و همکاران، تاب‌آوری اجتماعی را حاصل تعامل سرمایه اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی، شایستگی اجتماعی و منابع اقتصادی و نهادی دانسته و معتقدند جوامعی که از اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، توان بالاتری در مدیریت بحران و کاهش آسیب‌های ناشی از آن خواهند داشت. (Norris et al., 2008)

جنگ ترکیبی: جنگ ترکیبی نوعی از منازعات نوین است که در آن ابزارهای نظامی و غیرنظامی به صورت هم زمان و هماهنگ برای دستیابی به اهداف راهبردی مورد استفاده قرار می گیرند. هافمن، جنگ ترکیبی را ترکیبی از عملیات نظامی، جنگ اطلاعاتی، عملیات سایبری، فشارهای اقتصادی، عملیات رسانه ای و جنگ شناختی می داند که هدف نهایی آن تضعیف اراده، ادراک و انسجام جامعه هدف است. بر این اساس، جامعه و افکار عمومی به اندازه میدان نبرد به یکی از عرصه های اصلی تقابل تبدیل می شوند. (Hoffman, 2007)

جنگ رمضان: جنگ رمضان را می توان یکی از مهم ترین و پیچیده ترین رخدادهای امنیتی - نظامی تاریخ معاصر غرب آسیا دانست که از سطح یک تقابل نظامی کلاسیک فراتر رفت و به عرصه ای برای تلاقی مؤلفه های ژئوپلیتیکی، شناختی، رسانه ای و اجتماعی تبدیل شد. این جنگ که در فاصله زمانی ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۸ فروردین ۱۴۰۵ میان جمهوری اسلامی ایران و ائتلاف آمریکا - اسرائیل رخ داد، نتیجه انباشت تدریجی تنش های امنیتی، ژئوپلیتیکی و راهبردی سال های گذشته بود. تحولات امنیتی منطقه نشان می دهد که الگوهای تقابل از جنگ های متعارف به سمت جنگ های ترکیبی، غیرمستقیم و چندلایه حرکت کرده اند؛ الگویی که در آن مرز میان جنگ و صلح و نیز تهدیدات سخت و نرم به تدریج کمرنگ شده است (نوری اصل، ۱۴۰۵: ۲). زمینه های شکل گیری این جنگ را می توان در تشدید رقابت های ژئوپلیتیکی، گسترش جنگ های نیابتی، افزایش حملات سایبری، عملیات خرابکارانه، ترور فرماندهان و تشدید بی اعتمادی امنیتی میان بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای جست و جو کرد. از این منظر، جنگ رمضان صرفاً یک رویارویی نظامی نبود، بلکه نقطه اوج روندی از بحران های انباشته شده در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی به شمار می رفت (آجم اوغلو و راینسون، ۱۳۹۴: ۵۶). آغاز رسمی جنگ با حملات گسترده ائتلاف آمریکا - اسرائیل علیه اهداف نظامی، امنیتی و برخی مراکز غیرنظامی همراه بود که نشان می داد هدف تنها تخریب توان نظامی ایران نیست، بلکه ایجاد شوک اجتماعی، اختلال در ادراک عمومی و افزایش فشار روانی بر جامعه نیز دنبال می شود. حمله به مجموعه آموزشی «شجره طیبه» در میناب و شهادت جمعی از دانش آموزان و کادر آموزشی، به عنوان یکی از رخدادهای نمادین جنگ، آثار روانی و اجتماعی گسترده ای بر جامعه بر جای گذاشت (نوری اصل، ۱۴۰۵: ۵). همچنین شهادت رهبر انقلاب و تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی و امنیتی، ابعاد جنگ را از

سطح نظامی فراتر برد و پیامدهای عمیق نمادین، روانی و اجتماعی ایجاد کرد. از منظر جامعه‌شناختی، حذف ناگهانی شخصیت‌های نمادین می‌تواند حافظه جمعی، احساس امنیت و انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (آندرسون، ۱۹۸۳: ۳۲). در مجموع، جنگ رمضان علاوه بر خسارت‌های مادی، موجب افزایش نگرانی عمومی، کاهش احساس امنیت روانی، اختلال در روابط اجتماعی و گسترش فشارهای شناختی و رسانه‌ای شد و از این رو، نمونه‌ای شاخص از جنگ‌های ترکیبی با پیامدهای گسترده روانی- اجتماعی محسوب می‌شود (نوری اصل، ۱۴۰۵: ۹). در مجموع، مفاهیم یادشده چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. از یک سو، جنگ رمضان به عنوان نمونه‌ای از جنگ‌های ترکیبی، زمینه بروز پیامدهای گسترده روانی و اجتماعی را فراهم ساخته و از سوی دیگر، مداخلات روانی- اجتماعی با تقویت تاب‌آوری اجتماعی، می‌توانند نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های ناشی از بحران، حفظ انسجام اجتماعی و ارتقای ظرفیت جامعه برای مواجهه با شرایط بحرانی ایفا کنند.

مبانی نظری پژوهش

جنگ‌های ترکیبی و پیامدهای روانی - اجتماعی

مفهوم جنگ ترکیبی طی دو دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین مباحث حوزه مطالعات امنیتی و راهبردی تبدیل شده است. تغییر ماهیت تهدیدها، گسترش فناوری‌های ارتباطی و ظهور ابزارهای جدید تأثیرگذاری موجب شده است که الگوهای جنگ نیز از ساختارهای سنتی فاصله بگیرند. جنگ ترکیبی به نوعی از درگیری اطلاق می‌شود که در آن ابزارهای نظامی، رسانه‌ای، سایبری، اقتصادی، شناختی و روانی به صورت همزمان و هماهنگ برای تحقق اهداف راهبردی به کار گرفته می‌شوند. در چنین جنگی، میدان نبرد محدود به جغرافیای نظامی نیست، بلکه حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و ادراکی نیز بخشی از میدان تقابل محسوب می‌شوند (هاس، ۲۰۲۰: ۴۵).

یکی از ویژگی‌های مهم جنگ‌های ترکیبی، تلاش برای تأثیرگذاری بر ادراک و ذهنیت جامعه هدف است. برخلاف جنگ‌های کلاسیک که تمرکز اصلی بر انهدام توان فیزیکی دشمن قرار داشت، در جنگ‌های نوین هدف اصلی ایجاد اختلال در نظام تصمیم‌گیری، کاهش انسجام

اجتماعی و تضعیف سرمایه روانی جامعه است. در چنین شرایطی، ابزارهایی نظیر رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، عملیات روانی و جنگ اطلاعاتی نقش بسیار مهمی پیدا می‌کنند. از این منظر، پیروزی در جنگ تنها به معنای برتری نظامی نیست، بلکه توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی نیز بخشی از موفقیت راهبردی محسوب می‌شود (برنز، ۲۰۱۹: ۱۱۲).

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که جنگ‌های ترکیبی پیامدهای روانی گسترده و بلندمدتی بر جوامع برجای می‌گذارند. اضطراب جمعی، ترس فراگیر، احساس ناامنی، فرسایش اعتماد اجتماعی و اختلالات روان‌شناختی از جمله مهم‌ترین پیامدهای این نوع جنگ‌ها هستند. ویژگی مهم جنگ‌های ترکیبی آن است که آثار روانی آنها غالباً حتی پس از پایان درگیری‌های نظامی نیز ادامه پیدا می‌کند و در قالب اختلالات اجتماعی و روانی بازتولید می‌شود. بنابراین پیامدهای این جنگ‌ها صرفاً به زمان وقوع بحران محدود نیست و دوره پسابحران را نیز دربرمی‌گیرد (پریست، ۲۰۱۷: ۵۴).

از سوی دیگر، جنگ‌های ترکیبی با ایجاد ابهام و پیچیدگی، قدرت تحلیل و تصمیم‌گیری افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. انتشار همزمان روایت‌های متناقض، اخبار غیرموثق و عملیات رسانه‌ای باعث می‌شود شهروندان در تشخیص واقعیت دچار مشکل شوند. این وضعیت نوعی اختلال شناختی ایجاد می‌کند که در آن افراد قادر به ارزیابی دقیق محیط پیرامونی خود نیستند. در چنین شرایطی، اضطراب اجتماعی افزایش یافته و احساس بی‌ثباتی در جامعه تقویت می‌شود (آیکن‌گرین، ۲۰۱۶: ۸۸).

تاب‌آوری اجتماعی، مداخلات روانی - اجتماعی و چارچوب نظری پژوهش

تاب‌آوری اجتماعی یکی از مفاهیم محوری در مطالعات بحران و مدیریت مخاطرات محسوب می‌شود و به ظرفیت جامعه برای سازگاری، مقاومت و بازسازی در برابر شوک‌ها و بحران‌ها اشاره دارد. این مفهوم صرفاً به معنای مقاومت در برابر آسیب‌ها نیست، بلکه شامل توانایی یادگیری، سازگاری و بازیابی کارکردهای اجتماعی نیز می‌شود. تاب‌آوری در سطح اجتماعی از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها نظیر اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی، انسجام اجتماعی و ظرفیت‌های فرهنگی تأثیر می‌پذیرد (بنفیلد و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۳).

مطالعات حوزه تاب‌آوری نشان می‌دهند که جوامع در مواجهه با بحران‌ها واکنش‌های یکسانی ندارند. برخی جوامع حتی در شرایط بحران‌های شدید توانایی بازسازی و انطباق خود را حفظ می‌کنند، در حالی که برخی دیگر با اختلالات گسترده اجتماعی مواجه می‌شوند. تفاوت میان این دو وضعیت را باید در میزان سرمایه اجتماعی، کیفیت شبکه‌های حمایتی و ظرفیت‌های روانی جامعه جست‌وجو کرد. در واقع تاب‌آوری اجتماعی بیش از آنکه یک ویژگی فردی باشد، نوعی قابلیت ساختاری و جمعی محسوب می‌شود (پریست، ۲۰۱۷: ۶۰).

از منظر نظری، پژوهش حاضر بر ترکیبی از «نظریه تاب‌آوری اجتماعی» و «نظریه سرمایه اجتماعی» استوار است. نظریه تاب‌آوری اجتماعی بیان می‌کند که ظرفیت جامعه برای مقابله با بحران‌ها وابسته به توانایی آن در ایجاد سازوکارهای سازگاری و یادگیری است. بر اساس این نظریه، بحران‌ها لزوماً موجب فروپاشی اجتماعی نمی‌شوند، بلکه در صورت وجود سازوکارهای حمایتی می‌توانند زمینه‌ساز تقویت ظرفیت‌های اجتماعی نیز باشند. در مقابل، نظریه سرمایه اجتماعی بر اهمیت اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی تأکید دارد و معتقد است هرچه پیوندهای اجتماعی میان افراد و نهادها قوی‌تر باشد، توان جامعه برای مدیریت بحران افزایش می‌یابد (کلمن، ۱۹۹۰: ۳۰۲).

بر مبنای این چارچوب نظری می‌توان تبیین کرد که جنگ رمضان از طریق ایجاد فشارهای روانی و اجتماعی موجب کاهش احساس امنیت و افزایش اضطراب اجتماعی شده است؛ اما مداخلات روانی- اجتماعی نظیر آموزش مقابله با استرس، توسعه شبکه‌های حمایت اجتماعی، مدیریت اطلاعات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی توانسته‌اند به عنوان متغیر میانجی عمل کنند و با کاهش آثار بحران، تاب‌آوری جامعه را تقویت نمایند. بر این اساس، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که هرچه کیفیت و گستره مداخلات روانی- اجتماعی افزایش یابد، توان جامعه برای سازگاری و مقاومت در برابر تهدیدات ترکیبی نیز بیشتر خواهد شد (برنز، ۲۰۱۹: ۱۱۸).

پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات مرتبط با جنگ های نوین، تهدیدات ترکیبی، تاب آوری اجتماعی و مدیریت بحران، پژوهش های متعددی انجام شده است که هر یک از زاویه ای خاص به ابعاد این موضوع پرداخته اند. بررسی این مطالعات نشان می دهد که اگرچه برخی پژوهش ها بر ابعاد ژئوپلیتیکی و امنیتی تمرکز داشته اند و برخی دیگر به سازوکارهای اجتماعی و روانی پرداخته اند، اما هنوز پژوهش جامعی که به طور همزمان مداخلات روانی- اجتماعی را در بستر جنگ های ترکیبی و با تمرکز بر تجربه جنگ رمضان تحلیل کند، محدود است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم ترین یافته ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	نوری اصل (۱۴۰۶)	پیامدهای منطقه ای جنگ رمضان؛ بازتعریف موازنه قدرت در غرب آسیا	پژوهش با رویکرد تحلیلی - تبیینی و با بهره گیری از روش تحلیل ژئوپلیتیکی به بررسی پیامدهای امنیتی، سیاسی و منطقه ای جنگ رمضان پرداخته است.	جنگ رمضان به عنوان نقطه عطفی در ساختار امنیتی و ژئوپلیتیکی غرب آسیا ارزیابی شده که موجب تغییر موازنه قدرت، افزایش نقش بازیگران فرامنطقه ای، تشدید رقابت های ژئوپلیتیکی و شکل گیری ترتیبات امنیتی جدید در منطقه خواهد شد.
۲	ملکی و نیازی (۱۴۰۵)	نقش تاب آوری اجتماعی در مواجهه نوجوانان با بحران های اجتماعی معاصر	پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر بر افزایش تاب آوری اجتماعی نوجوانان در شرایط بحران پرداخته است.	آموزش، همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی از مهم ترین عوامل تقویت تاب آوری اجتماعی شناخته شده اند. نتایج نشان می دهد تاب آوری اجتماعی سازوکاری اجتماعی و قابل ارتقا از طریق آموزش و سیاست گذاری هدفمند است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۳	احمدی و هوشنگی (۱۴۰۵)	طراحی سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ایران در مواجهه با تهدیدهای ترکیبی منطقه‌ای	پژوهش با رویکرد راهبردی و تحلیلی، مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در برابر تهدیدهای ترکیبی را بررسی کرده است.	خوداتکایی فناورانه، فرهنگ ایثار، عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت مردم‌محور از عوامل کلیدی ارتقای تاب‌آوری معرفی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد حکمرانی شبکه‌ای و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی نقش مؤثرتری در ایجاد زیست‌بوم مقاوم نسبت به رویکرد صرفاً منابع‌محور دارد.
۴	منظور (۱۴۰۴)	تحلیل راهبردی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه: رویکرد واقع‌گرایی ساختاری و ژئواکونومیک	پژوهش با رویکرد نظری واقع‌گرایی ساختاری و تحلیل ژئواکونومیک، ابعاد امنیتی، سیاسی و اقتصادی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را بررسی کرده است.	جنگ در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیکی و منازعات انرژی تحلیل شده و فراتر از یک تقابل نظامی محدود ارزیابی شده است. نتایج بر ضرورت تقویت بازدارندگی پایدار از طریق اصلاحات اقتصادی، توسعه صنایع دانش‌بنیان، دیپلماسی منطقه‌ای و قدرت روایت‌سازی تأکید دارد.
۵	عابدی و شاه‌محمدی (۱۴۰۴)	نقش تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی	پژوهش با روش تحلیلی - کاربردی به بررسی مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی و نقش آن در کاهش پیامدهای بحران‌های اجتماعی پرداخته است.	آگاهی موقعیتی، شناسایی آسیب‌پذیری‌ها و ظرفیت تطابق‌پذیری از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مدیریت بحران معرفی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد نگاه نظام‌مند، شناسایی زود هنگام تهدیدها و افزایش مشارکت جمعی، اثربخشی مدیریت بحران را افزایش می‌دهد.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم ترین یافته ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۶	ساعدی (۱۴۰۴)	حکمرانی تاب آور: الگویی پایدار در مدیریت ریسک و بحران	پژوهش با رویکرد نظری و تحلیلی، مؤلفه های حکمرانی تاب آور و نقش آن در مواجهه با شرایط عدم قطعیت و بحران را بررسی کرده است.	رهبری تطبیقی، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت ذی نفعان و یادگیری مستمر از ارکان اصلی حکمرانی تاب آور هستند. یافته ها نشان می دهد حکمرانی تاب آور می تواند ظرفیت سازمان ها و نظام های مدیریتی را در مواجهه با بحران ها ارتقا دهد.
۷	امیری و همکاران (۱۴۰۳)	نقش امنیت در مدیریت بحران های اجتماعی	پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، رابطه میان ابعاد امنیت اجتماعی و مدیریت بحران های اجتماعی را بررسی کرده است.	امنیت اجتماعی به عنوان محور پیونددهنده سایر ابعاد امنیت معرفی شده و با مؤلفه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و آمادگی دفاعی رابطه معنا دار دارد. نتایج نشان می دهد رضایت عمومی و نحوه مدیریت بحران از عوامل اساسی تقویت امنیت ملی و افزایش توان مقابله با بحران های اجتماعی هستند.

مرور مطالعات پیشین نشان می دهد که بیشتر پژوهش های انجام شده یا بر ابعاد امنیتی و ژئوپلیتیکی جنگ ها تمرکز داشته اند یا به موضوع تاب آوری اجتماعی در بحران های عمومی پرداخته اند. همچنین بخش عمده مطالعات موجود بر حوزه هایی نظیر ساختارهای دفاعی، حکمرانی یا نقش رسانه ها تأکید کرده اند. در حالی که پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی متفاوت، جنگ رمضان را به عنوان نمونه ای از جنگ ترکیبی مطالعه کرده و نقش مداخلات روانی-اجتماعی را در افزایش تاب آوری جامعه مورد بررسی قرار دهد. وجه تمایز این پژوهش،

تمرکز بر تحلیل هم‌زمان پیامدهای روانی-اجتماعی جنگ، شناسایی مداخلات اجرا شده و استخراج راهبردهای کاربردی مبتنی بر تجربه خبرگان است؛ موضوعی که در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مدل مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این پژوهش بر پایه ادبیات مربوط به جنگ‌های ترکیبی، نظریه‌های تاب‌آوری اجتماعی و روانشناسی بحران شکل گرفته است و تلاش دارد روابط میان تهدیدات ترکیبی، مداخلات روانی-اجتماعی و تاب‌آوری جامعه را به صورت علمی تبیین کند. جنگ رمضان نمونه‌ای برجسته از جنگ ترکیبی است که در آن نه تنها ابزارهای نظامی بلکه تهدیدات سایبری، عملیات رسانه‌ای و اقدامات روانی به‌طور هم‌زمان علیه جامعه هدف به کار گرفته شده است، به گونه‌ای که پیامدهای آن تنها محدود به حوزه نظامی نبوده و سلامت روان و انسجام اجتماعی جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است (هاس، ۲۰۲۰: ۴۵؛ آیکن‌گرین، ۲۰۱۶: ۸۸). این واقعیت نشان می‌دهد که مقابله با چنین تهدیداتی بدون بهره‌گیری از مداخلات روانی-اجتماعی هدفمند و تقویت تاب‌آوری اجتماعی، امکان‌پذیر نیست.

در این چارچوب، جنگ ترکیبی به عنوان متغیر مستقل مطالعه مورد توجه قرار گرفته است و نقش آن در ایجاد پیامدهای روانی-اجتماعی منفی جامعه محور تحلیل قرار می‌گیرد. تهدیدات ترکیبی می‌توانند با ایجاد اضطراب جمعی، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف همبستگی اجتماعی، ظرفیت مقابله جامعه با بحران‌ها را کاهش دهند. به عنوان مثال، در جنگ رمضان، حملات گسترده به سایت‌های نظامی، مراکز آموزشی و شهری و همچنین شهادت رهبر انقلاب و کادر آموزشی مجموعه شجره طیبه، موجب ایجاد شوک روانی و کاهش احساس امنیت عمومی شد (نوری اصل، ۱۴۰۵: ۵-۸). این نمونه نشان می‌دهد که جنگ‌های ترکیبی نه تنها یک تهدید نظامی بلکه یک بحران روانی-اجتماعی هستند که می‌توانند تاب‌آوری جامعه را به چالش بکشند و نیازمند مداخلات هدفمند برای کاهش پیامدهای منفی هستند.

مداخلات روانی-اجتماعی به عنوان متغیر میانجی، نقش اساسی در کاهش اثرات منفی جنگ ترکیبی و تقویت تاب‌آوری جامعه دارند. این مداخلات شامل آموزش‌های مقابله با استرس و

بحران، ایجاد و تقویت شبکه های حمایت اجتماعی، مدیریت اطلاعات و اخبار جعلی و فعالیت های فرهنگی و مذهبی برای افزایش همبستگی اجتماعی است. پژوهش ها نشان می دهند که آموزش و آگاهی بخشی جامعه، به ویژه در زمینه مدیریت اضطراب و استرس جمعی، می تواند اثرات روانی جنگ را کاهش دهد و افراد را برای مواجهه با شرایط بحران آماده کند (پریست، ۲۰۱۷: ۶۰). شبکه های حمایت اجتماعی و فعالیت های داوطلبانه نیز ضمن فراهم کردن پشتیبانی عاطفی و اجتماعی، موجب تقویت سرمایه اجتماعی و همبستگی میان اعضای جامعه می شوند و از تنش های اجتماعی و روانی می کاهند (بنفیلد و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۸). علاوه بر این، مدیریت دقیق اطلاعات و مقابله با اخبار جعلی نقش مهمی در کاهش اضطراب جمعی و حفظ اعتماد عمومی دارد و مانع گسترش شایعات و احساس ناامنی می شود (آیکن گرین، ۲۰۱۶: ۹۵).

تاب آوری جامعه به عنوان متغیر وابسته این پژوهش، شامل توانایی جامعه در بازسازی و مقابله با تهدیدات متنوع، کاهش اضطراب و استرس جمعی، افزایش اعتماد به نهادهای رسمی و تقویت همبستگی اجتماعی است. در چارچوب این پژوهش، تاب آوری جامعه نه تنها به توان مقابله با پیامدهای مستقیم جنگ ترکیبی بلکه به توان مقابله با تهدیدات آینده نیز اطلاق می شود. یافته های ادبیات پژوهشی نشان می دهند که تاب آوری اجتماعی می تواند با ترکیب مداخلات روانی- اجتماعی و تقویت شبکه های اجتماعی و فرهنگی تقویت شود و ظرفیت جامعه برای مواجهه با بحران های مشابه در آینده را افزایش دهد (برنز، ۲۰۱۹: ۱۱۸؛ بنفیلد و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۳).

در نهایت، چارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس رابطه میان جنگ ترکیبی، مداخلات روانی- اجتماعی و تاب آوری جامعه شکل گرفته است و پیش بینی می کند که اثرات منفی جنگ ترکیبی بر سلامت روان و انسجام اجتماعی از طریق مداخلات هدفمند روانی- اجتماعی کاهش می یابد و تاب آوری جامعه افزایش پیدا می کند. این چارچوب به پژوهشگران و سیاستگذاران امکان می دهد تا نه تنها اثرات مستقیم جنگ ترکیبی بلکه راهکارهای تقویت تاب آوری و مقاومت روانی- اجتماعی جامعه را در شرایط بحرانی تحلیل و برنامه ریزی کنند، و درس آموخته های جنگ رمضان به عنوان یک تجربه تاریخی و اجتماعی برای مواجهه با تهدیدات ترکیبی مدرن به کار گرفته شود.

ابعاد پنهان، استخراج الگوها و شناسایی مؤلفه‌هایی را فراهم می‌کند که از طریق روش‌های کمی به سادگی قابل دستیابی نیستند.

جامعه پژوهش شامل خبرگان و متخصصان حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی بحران، مدیریت بحران، امنیت ملی، مطالعات جنگ‌های ترکیبی، رسانه و سیاست‌گذاری اجتماعی است. انتخاب این افراد به دلیل دانش تخصصی و تجربه حرفه‌ای آنان در زمینه بحران‌های اجتماعی و امنیتی صورت می‌گیرد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند و از نوع گلوله‌برفی خواهد بود. در نمونه‌گیری هدفمند، افرادی انتخاب می‌شوند که بیشترین ارتباط و آگاهی را نسبت به موضوع پژوهش داشته باشند و سپس از طریق معرفی افراد جدید توسط مصاحبه‌شوندگان اولیه، فرآیند نمونه‌گیری ادامه پیدا می‌کند. تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس اصل اشباع نظری تعیین می‌شود؛ به این معنا که مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که داده‌های جدید منجر به استخراج مفاهیم تازه نشود. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود حدود ۱۲ تا ۱۸ نفر از خبرگان در پژوهش مشارکت داشته باشند (کرسول، ۲۰۱۴: ۱۸۹).

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این مطالعه، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. دلیل انتخاب این نوع مصاحبه، انعطاف‌پذیری و امکان بررسی عمیق‌تر دیدگاه‌ها و تجربیات مصاحبه‌شوندگان است. در این شیوه، پژوهشگر ضمن داشتن مجموعه‌ای از پرسش‌های از پیش طراحی‌شده، امکان طرح پرسش‌های تکمیلی را نیز بر اساس پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان خواهد داشت. مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا مجازی انجام می‌شوند و مدت‌زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه پیش‌بینی می‌شود. همچنین با کسب رضایت مشارکت‌کنندگان، گفت‌وگوها ضبط و سپس به متن تبدیل خواهد شد.

در طراحی راهنمای مصاحبه، تلاش شده است پرسش‌ها در راستای اهداف و سؤالات پژوهش تنظیم شوند. برخی از مهم‌ترین محورهای مصاحبه شامل شناخت مهم‌ترین پیامدهای روانی-اجتماعی جنگ رمضان، شناسایی مداخلات اجراشده توسط نهادهای رسمی و غیررسمی، ارزیابی میزان اثربخشی این مداخلات، شناسایی نقاط ضعف و قوت اقدامات انجام‌شده و استخراج درس‌آموخته‌های قابل استفاده برای مواجهه با جنگ‌های ترکیبی آینده است. بر این اساس، نمونه‌ای از سؤالات مصاحبه شامل این موارد است: «به نظر شما مهم‌ترین پیامدهای روانی-

اجتماعی جنگ رمضان چه بوده است؟»، «کدام مداخلات روانی-اجتماعی بیشترین اثربخشی را در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته‌اند؟»، «چه عواملی در موفقیت یا شکست این مداخلات نقش داشته‌اند؟» و «چه راهکارهایی برای افزایش تاب‌آوری جامعه در مواجهه با جنگ‌های ترکیبی آینده پیشنهاد می‌شود؟»

به منظور بررسی روایی ابزار پژوهش، از روش روایی محتوایی استفاده خواهد شد؛ بدین صورت که راهنمای مصاحبه در اختیار تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات امنیتی و روش تحقیق قرار می‌گیرد و پس از دریافت نظرات اصلاحی، نسخه نهایی تدوین می‌شود. برای افزایش قابلیت اعتماد پژوهش نیز از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان، مرور همکاران پژوهشی و مقایسه مستمر داده‌ها استفاده خواهد شد (میرزایی، ۱۳۹۸: ۱۴۳).

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) تحلیل خواهند شد. در این روش ابتدا متن مصاحبه‌ها به صورت کامل مطالعه می‌شود و سپس کدهای اولیه استخراج می‌گردد. در مرحله بعد، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های فرعی و مضامین اصلی طبقه‌بندی می‌شوند و در نهایت شبکه مفهومی روابط میان مضامین شکل می‌گیرد. روش تحلیل مضمون به پژوهشگر امکان می‌دهد تا الگوهای معنایی موجود در داده‌ها را شناسایی کرده و چارچوبی تبیینی از مداخلات روانی-اجتماعی مؤثر بر افزایش تاب‌آوری جامعه در جنگ رمضان ارائه دهد (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۹).

در مجموع، روش‌شناسی این پژوهش تلاش دارد با تلفیق تحلیل کیفی و بهره‌گیری از تجارب خبرگان، تصویری جامع از نقش مداخلات روانی-اجتماعی در ارتقای توانمندی جامعه در برابر تهدیدات ترکیبی ارائه دهد و زمینه لازم برای استخراج مدل کاربردی مدیریت بحران‌های مشابه را فراهم سازد.

یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و گردآوری داده‌های پژوهش، اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها از طریق تحلیل مضمون و فرایند کدگذاری چندمرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که الگوهای استخراج‌شده پیرامون سه محور اصلی شامل پیامدهای

روانی_اجتماعی جنگ ترکیبی، مداخلات روانی_اجتماعی و مؤلفه های مرتبط با تاب آوری جامعه قابل دسته بندی هستند. در ادامه یافته های حاصل از فرایند تحلیل ارائه می شود.

ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش

به منظور توصیف ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان، اطلاعات مربوط به جنسیت، سن، مدرک تحصیلی و سابقه خدمت خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. ارائه این اطلاعات ضمن توصیف جامعه مورد مطالعه، تصویری روشن از میزان تخصص و تجربه مشارکت کنندگان در حوزه پژوهش ارائه می دهد.

جدول ۲. ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	10	66/7
زن	5	33/3
جمع	15	100

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که از مجموع ۱۵ نفر از خبرگان مشارکت کننده در پژوهش، ۱۰ نفر (۷/۶۶ درصد) مرد و ۵ نفر (۳/۳۳ درصد) زن بوده اند. این ترکیب بیانگر آن است که هر دو گروه در فرآیند گردآوری داده ها مشارکت داشته اند، هرچند سهم خبرگان مرد بیشتر بوده است.

جدول ۳. ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش بر حسب سن

گروه سنی (سال)	فراوانی	درصد
۴۰ تا ۴۵	5	33/3
۴۶ تا ۵۰	6	40/0
۵۱ سال و بیشتر	4	26/7
جمع	15	100

براساس نتایج جدول ۳، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال با ۶ نفر (۴۰ درصد) است. همچنین ۵ نفر (۳/۳۳ درصد) در گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال و ۴ نفر (۷/۲۶ درصد) در گروه سنی ۵۱ سال و بیشتر قرار دارند که نشان دهنده بهره گیری از دیدگاه خبرگان با تجربه و دارای سابقه فعالیت تخصصی است.

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش بر حسب مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد
کارشناسی ارشد	2	13/3
دکتری	13	86/7
جمع	15	100

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۱۳ نفر از مشارکت‌کنندگان (۷/۸۶ درصد) دارای مدرک دکتری و ۲ نفر (۳/۱۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. این امر نشان می‌دهد که اغلب مشارکت‌کنندگان از سطح علمی و تخصصی مناسبی برای اظهار نظر پیرامون موضوع پژوهش برخوردار بوده‌اند.

جدول ۵. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش بر حسب سابقه خدمت

سابقه خدمت (سال)	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۰ سال	6	40/0
20 تا ۲۵ سال	5	33/3
بیش از ۲۵ سال	4	26/7
جمع	15	100

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که ۶ نفر (۴۰ درصد) کمتر از ۲۰ سال، ۵ نفر (۳/۳۳ درصد) بین ۲۰ تا ۲۵ سال و ۴ نفر (۷/۲۶ درصد) بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت داشته‌اند. این توزیع بیانگر آن است که تمامی مشارکت‌کنندگان از تجربه حرفه‌ای قابل توجهی در حوزه‌های مرتبط با پژوهش برخوردار بوده‌اند.

در مجموع، یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان پژوهش عمدتاً دارای مدرک دکتری، سابقه حرفه‌ای قابل توجه و تجربه تخصصی در حوزه‌های مرتبط با مدیریت بحران، مطالعات امنیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی بوده‌اند. همچنین پراکندگی مناسب سنی و

حضور هر دو جنس در ترکیب نمونه، بر غنای دیدگاه های گردآوری شده افزوده و اعتبار داده های حاصل از مصاحبه های تخصصی را تقویت می کند.

یافته ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج پژوهش

پس از شناسایی و طبقه بندی مضامین اصلی از طریق فرایند کدگذاری، مرحله تحلیل و تفسیر داده ها با هدف فهم روابط میان مفاهیم و تبیین الگوهای مؤثر آغاز شد. در این مرحله، یافته ها صرفاً به توصیف داده ها محدود نشده و تلاش گردید نتایج در پرتو چارچوب نظری پژوهش و دیدگاه های خبرگان تفسیر شوند. تحلیل حاضر به بررسی نحوه اثرگذاری مداخلات روانی-اجتماعی بر کاهش پیامدهای جنگ ترکیبی و ارتقای تاب آوری جامعه می پردازد.

جدول ۶. فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین از مصاحبه خبرگان

ردیف	نمونه گزاره مصاحبه شوندگان	کدهای اولیه	مفاهیم فرعی	مضمون اصلی
1	«بزرگ ترین آسیب جنگ رمضان، اضطراب و احساس ناامنی گسترده در جامعه بود.» / «در روزهای ابتدایی بحران بسیاری از مردم دچار شوک روانی شدند.» / «ترس از آینده و نامشخص بودن شرایط، فشار روانی جامعه را افزایش داده بود»	اضطراب جمعی، احساس ناامنی، شوک اجتماعی	پیامدهای روانی جنگ	پیامدهای روانی-اجتماعی جنگ ترکیبی
2	«انتشار سریع اخبار متناقض موجب افزایش نگرانی مردم شد.» / «افراد نمی توانستند اخبار واقعی را از اخبار جعلی تشخیص دهند.» / «شایعات باعث افزایش بی اعتمادی و نگرانی عمومی شد»	شایعات، اخبار جعلی، بی اعتمادی اطلاعاتی	اختلال ارتباطی	
3	«حملات رسانه ای موجب ایجاد سردرگمی ذهنی در مردم شد.» / «جنگ رسانه ای قدرت تحلیل افراد را تحت تأثیر قرار داده بود.» / «حجم اطلاعات متناقض نوعی آشفتگی ذهنی و شناختی ایجاد کرد»	عملیات شناختی، جنگ رسانه ای، آشفتگی ذهنی	جنگ روانی	

جدول ۶. فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین از مصاحبه خبرگان

ردیف	نمونه گزاره مصاحبه‌شوندگان	کدهای اولیه	مفاهیم فرعی	مضمون اصلی
4	«آموزش مهارت کنترل استرس می‌توانست اثرات بحران را کاهش دهد.» / «آموزش مقابله با بحران برای مردم ضروری بود.» / «توانمندسازی روانی جامعه می‌توانست از شدت آسیب‌ها بکاهد»	مدیریت استرس، آموزش بحران، توانمندسازی	آموزش روانی	مداخلات روانی- اجتماعی
5	«برگزاری برنامه‌های آموزشی خانوادگی بسیار مؤثر بود.» / «افزایش آگاهی خانواده‌ها موجب کاهش تنش‌ها شد.» / «خانواده‌ها با دریافت آموزش بهتر توانستند شرایط بحران را مدیریت کنند»	آموزش خانواده، افزایش آگاهی	ارتقای آمادگی اجتماعی	
6	«شبکه‌های محلی داوطلبان نقش مهمی در کاهش اضطراب داشتند.» / «مشارکت مردمی باعث شد افراد احساس تنهایی کمتری داشته باشند.» / «حضور داوطلبان محلی به تقویت احساس امنیت اجتماعی کمک کرد»	حمایت اجتماعی، داوطلبان محلی، مشارکت مردمی	شبکه‌های حمایتی	
7	«مراسم مذهبی موجب افزایش آرامش و همدلی شد.» / «برنامه‌های فرهنگی در تقویت روحیه جمعی مؤثر بودند.» / «فعالیت‌های معنوی به کاهش اضطراب اجتماعی کمک کردند»	انسجام فرهنگی، معنویت، هویت جمعی	حمایت فرهنگی- معنوی	
8	«اطلاع‌رسانی سریع و شفاف مانع گسترش شایعات شد.» / «ارائه اخبار دقیق موجب کاهش نگرانی مردم شد.» / «شفافیت اطلاعات نقش مهمی در مدیریت افکار عمومی داشت»	شفافیت اطلاعات، مدیریت خبر	مدیریت ارتباطات بحران	
9	«حمایت روانی از خانواده‌های آسیب‌دیده بسیار ضروری بود.» / «خانواده‌های آسیب‌دیده نیازمند خدمات مشاوره‌ای بودند.» / «حمایت عاطفی از	مشاوره بحران، حمایت عاطفی	خدمات حمایتی	

جدول ۶. فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین از مصاحبه خبرگان

ردیف	نمونه گزاره مصاحبه‌شوندگان	کدهای اولیه	مفاهیم فرعی	مضمون اصلی
	افراد آسیب‌دیده روند بازسازی روانی را تسهیل کرد»			
10	«مردم پس از مدتی توانستند با شرایط بحرانی سازگار شوند.» / «جامعه به تدریج الگوهای جدیدی برای تطبیق با شرایط ایجاد کرد.» / «توانایی سازگاری با بحران در بسیاری از افراد مشاهده شد»	سازگاری اجتماعی، تطبیق روانی	ظرفیت سازگاری	تاب‌آوری جامعه
11	«اعتماد به نهادها موجب آرامش عمومی شد.» / «اعتماد اجتماعی از شدت نگرانی‌ها کاست.» / «هرچه اعتماد مردم بیشتر بود، مدیریت بحران نیز موفق‌تر عمل کرد»	اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی	اعتماد نهادی	
12	«همبستگی اجتماعی باعث افزایش تحمل بحران شد.» / «روحیه همکاری و مشارکت در جامعه افزایش یافت.» / «انسجام اجتماعی نقش مهمی در عبور از بحران داشت»	انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی	سرمایه اجتماعی	
13	«جامعه برای مواجهه با بحران‌های آینده آمادگی بیشتری پیدا کرد.» / «تجربه بحران موجب افزایش آگاهی عمومی شد.» / «بسیاری از افراد و نهادها از این بحران درس گرفتند»	آمادگی آینده، تجربه‌اندوزی	یادگیری اجتماعی	
14	«بعد از بحران حس امید اجتماعی مجدداً شکل گرفت.» / «افراد به آینده نگاه مثبت‌تری پیدا کردند.» / «بازسازی روانی جامعه به تدریج موجب احیای امید اجتماعی شد»	امید اجتماعی، بازسازی روانی	احیای روانی	

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، پس از طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی، نشان داد که داده‌های استخراج شده در سه مضمون کلان شامل «پیامدهای روانی_اجتماعی جنگ ترکیبی»، «مداخلات روانی_اجتماعی» و «تاب‌آوری جامعه»

قابل سازمان‌دهی و تبیین هستند. فرایند تحلیل مضمون نشان داد که هر یک از این مضامین از چندین مقوله فرعی و مجموعه‌ای از کدهای مفهومی تشکیل شده‌اند که در کنار یکدیگر چارچوبی منسجم برای فهم تجربه جامعه در جنگ رمضان ایجاد می‌کنند. تحلیل اولیه فراوانی کدها نشان داد که مضمون «مداخلات روانی-اجتماعی» دارای بیشترین حجم تکرار و بیشترین میزان تأکید در میان مصاحبه‌شوندگان بوده است. این یافته از منظر تحلیلی نشان می‌دهد که خبرگان، نقش عوامل اجتماعی و روانی را نه به عنوان متغیرهای جانبی، بلکه به عنوان عناصر تعیین‌کننده در مدیریت بحران‌های ناشی از جنگ‌های ترکیبی در نظر می‌گیرند.

بررسی داده‌ها نشان داد که از نگاه خبرگان، جنگ رمضان صرفاً یک درگیری نظامی محدود نبود، بلکه ساختار آن از منطق جنگ‌های ترکیبی جدید پیروی می‌کرد؛ جنگی که در آن فشار نظامی، عملیات شناختی، حملات رسانه‌ای، تهدیدات سایبری و جنگ روانی به‌صورت همزمان عمل می‌کنند. در چنین الگویی، هدف صرفاً تخریب زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه ساختار ادراکی جامعه، نظام اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی نیز هدف قرار می‌گیرد. در نتیجه، آثار و پیامدهای جنگ از سطح میدانی فراتر رفته و به لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه گسترش پیدا می‌کند.

مطابق تحلیل اظهارات خبرگان، نخستین و فراگیرترین پیامد جنگ رمضان، شکل‌گیری اضطراب جمعی و افزایش احساس ناامنی اجتماعی بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که آغاز ناگهانی حملات گسترده، حمله به مراکز انسانی و آموزشی و وقوع رخداد‌های نمادین و شوک‌آور، موجب ایجاد نوعی بی‌ثباتی روانی در جامعه شد. به اعتقاد خبرگان، در جنگ‌های ترکیبی، افراد تنها با تهدیدات فیزیکی مواجه نیستند، بلکه با حجم گسترده‌ای از عدم قطعیت، ابهام و فشارهای روانی نیز روبه‌رو می‌شوند. در واقع، شرایط جنگی موجب برهم خوردن الگوهای عادی زندگی روزمره شده و احساس پیش‌بینی‌پذیری را کاهش می‌دهد. کاهش قابلیت پیش‌بینی، خود یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری استرس اجتماعی و احساس ناامنی در جامعه محسوب می‌شود.

تحلیل داده‌ها همچنین نشان داد که یکی دیگر از پیامدهای مهم جنگ رمضان، اختلال شناختی ناشی از جنگ رسانه‌ای و اطلاعاتی بوده است. بخش قابل توجهی از خبرگان بر این

موضوع تأکید داشتند که جنگ های نوین بیش از آنکه مبتنی بر تسلط فیزیکی باشند، بر تسلط شناختی استوار هستند. انتشار مداوم اخبار ضدونقیض، شایعات، اطلاعات تأیید نشده و روایت های متعارض موجب ایجاد آشفتگی ذهنی در میان شهروندان شده بود. این وضعیت نوعی فشار روانی مضاعف ایجاد می کند؛ زیرا افراد نه تنها در معرض تهدید واقعی قرار می گیرند، بلکه در تشخیص واقعیت نیز با مشکل مواجه می شوند. بر اساس تحلیل خبرگان، این مسئله سبب تضعیف اعتماد عمومی، افزایش سردرگمی اجتماعی و گسترش نگرانی های جمعی می شود.

شناسایی مداخلات روانی_اجتماعی

تحلیل مصاحبه ها نشان داد که خبرگان مجموعه ای از مداخلات را به عنوان مهم ترین سازوکارهای مدیریت پیامدهای جنگ رمضان معرفی کرده اند. یکی از نخستین مداخلات شناسایی شده، آموزش عمومی مقابله با استرس و بحران بود. مشارکت کنندگان معتقد بودند که فقدان آموزش های پیشینی در حوزه مدیریت بحران موجب افزایش آسیب پذیری روانی جامعه می شود. در شرایط جنگ ترکیبی، شهروندان در معرض حجم بالایی از محرک های تنش زا قرار می گیرند و چنانچه مهارت های مقابله ای کافی در اختیار نداشته باشند، احتمال بروز واکنش های هیجانی شدید افزایش پیدا می کند.

خبرگان تأکید داشتند آموزش مهارت هایی مانند مدیریت اضطراب، کنترل هیجان، ارتقای خودکارآمدی، تصمیم گیری در شرایط بحرانی و مهارت های سازگاری اجتماعی می تواند نقش مؤثری در کاهش فشارهای روانی داشته باشد. از دیدگاه آنان، این آموزش ها باید پیش از وقوع بحران و در قالب سیاست های ملی آمادگی اجتماعی طراحی شوند، زیرا مداخلات واکنشی معمولاً هزینه های بیشتری دارند و اثربخشی آن ها محدودتر است.

تحلیل مصاحبه ها همچنین نشان داد که فعالیت های فرهنگی و مذهبی از مهم ترین عوامل تقویت کننده انسجام اجتماعی در جریان جنگ رمضان بوده اند. بسیاری از خبرگان معتقد بودند که در شرایط بحران، جوامع برای حفظ تعادل روانی خود به منابع هویتی و معنایی رجوع می کنند. در این میان، مناسک فرهنگی و مذهبی توانستند نوعی احساس همدلی، آرامش و انسجام اجتماعی ایجاد کنند. مشارکت کنندگان بر این باور بودند که فعالیت های فرهنگی و مذهبی صرفاً کارکرد اعتقادی ندارند، بلکه به عنوان سرمایه اجتماعی و روانی نیز عمل می کنند.

همچنین یکی از مهم‌ترین یافته‌ها به نقش اطلاع‌رسانی هدفمند و مدیریت اخبار جعلی مربوط بود. خبرگان معتقد بودند بخش مهمی از فشار روانی جنگ رمضان ناشی از خود جنگ نبود، بلکه از مدیریت نامناسب اطلاعات ناشی می‌شد. انتشار اخبار غیررسمی و نبود جریان اطلاع‌رسانی سریع و شفاف، زمینه شکل‌گیری شایعات و گسترش ترس عمومی را فراهم می‌کرد. از منظر تحلیل داده‌ها، شفافیت اطلاعات و ارائه روایت‌های معتبر، از مهم‌ترین ابزارهای کنترل بحران روانی در جنگ‌های ترکیبی محسوب می‌شود.

شبکه‌های حمایت اجتماعی و گروه‌های داوطلب محلی نیز به عنوان یکی دیگر از مداخلات مؤثر شناسایی شدند. تحلیل اظهارات نشان داد که هرچه پیوندهای اجتماعی و میزان تعاملات اجتماعی افزایش پیدا کند، افراد احساس حمایت بیشتری می‌کنند و احتمال بروز آسیب‌های روانی کاهش می‌یابد. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که سرمایه اجتماعی جامعه در شرایط بحران می‌تواند به عنوان نوعی سازوکار حفاظتی عمل کند.

ارزیابی تأثیر مداخلات بر تاب‌آوری جامعه

تحلیل یافته‌ها نشان داد که اجرای مداخلات روانی- اجتماعی تأثیرات گسترده‌ای بر افزایش تاب‌آوری جامعه داشته است. یکی از مهم‌ترین آثار مشاهده‌شده، کاهش اضطراب و استرس جمعی بود. داده‌ها نشان داد که با اجرای مداخلات آموزشی، حمایتی و ارتباطی، سطح نگرانی عمومی به تدریج کاهش پیدا کرد و جامعه توانست تا حدی با شرایط جدید سازگار شود.

علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد مداخلات اجراشده موجب افزایش همبستگی اجتماعی و اعتماد عمومی شده‌اند. تحلیل اظهارات خبرگان نشان می‌دهد در شرایط بحران، اعتماد عمومی نوعی سرمایه راهبردی محسوب می‌شود. هرچه میزان اعتماد میان مردم و نهادهای اجتماعی افزایش یابد، ظرفیت جامعه برای مدیریت بحران نیز تقویت خواهد شد.

یافته‌ها همچنین نشان داد که این مداخلات در بازسازی روانی و اجتماعی جامعه پس از بحران نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که عبور از بحران صرفاً به معنای توقف جنگ نیست، بلکه بازگشت جامعه به وضعیت پایدار نیازمند بازسازی روانی، اجتماعی و فرهنگی است.

درس آموخته‌ها برای مواجهه با جنگ‌های ترکیبی مدرن

تحلیل داده‌ها نشان داد که یکی از مهم‌ترین درس آموخته‌های جنگ رمضان، ضرورت گذار از رویکرد واکنشی به رویکرد پیشگیرانه است. خبرگان تأکید داشتند که برنامه‌ریزی برای مقابله با بحران‌های ترکیبی باید پیش از وقوع بحران آغاز شود. تقویت آموزش‌های عمومی، توسعه سرمایه اجتماعی و ایجاد ساختارهای پاسخ سریع از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه محسوب می‌شوند. همچنین یافته‌ها نشان داد که رهبران اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در مدیریت بحران نقش کلیدی دارند. این افراد می‌توانند از طریق هدایت افکار عمومی، افزایش اعتماد اجتماعی و کاهش اضطراب جمعی، در تثبیت وضعیت روانی جامعه مؤثر باشند. از سوی دیگر، تحلیل‌ها نشان داد که مداخلات روانی-اجتماعی به تنهایی برای مواجهه با جنگ‌های جدید کافی نیستند و لازم است با ابزارهای رسانه‌ای، شناختی و سایبری ترکیب شوند. ماهیت چندلایه جنگ‌های نوین ایجاب می‌کند که پاسخ‌ها نیز دارای ساختاری چندبعدی باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مداخلات روانی-اجتماعی در افزایش توانمندی جامعه برای مواجهه با جنگ‌های ترکیبی و با تأکید بر تجربه جنگ رمضان انجام شد. این پژوهش تلاش کرد از طریق تحلیل دیدگاه‌های خبرگان و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، سازوکارهای اجتماعی و روانی مؤثر بر کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ و تقویت ظرفیت‌های مقاومت اجتماعی را شناسایی و تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که جنگ رمضان به دلیل برخورداری از ویژگی‌های جنگ‌های ترکیبی، ماهیتی فراتر از یک درگیری نظامی کلاسیک داشته و در آن، ابزارهای نظامی، عملیات روانی، حملات سایبری، جنگ رسانه‌ای و مداخلات شناختی به صورت همزمان و چندلایه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر همین اساس، آثار و پیامدهای این جنگ صرفاً محدود به خسارات نظامی و فیزیکی نبوده، بلکه ساختارهای روانی، ادراکی و اجتماعی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

تحلیل داده‌ها نشان داد که مهم‌ترین پیامدهای جنگ رمضان در حوزه اجتماعی و روانی شامل افزایش اضطراب جمعی، گسترش احساس ناامنی، اختلال شناختی ناشی از جنگ رسانه‌ای، کاهش

اعتماد اجتماعی و افزایش ابهام و بی‌ثباتی ذهنی در میان شهروندان بوده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که در جنگ‌های ترکیبی، جامعه صرفاً مخاطب پیامدهای جانبی جنگ نیست، بلکه خود به میدان اصلی تقابل تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، هدف اصلی مهاجم تنها تخریب زیرساخت‌های فیزیکی نیست، بلکه تلاش می‌شود انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و ظرفیت روانی جامعه برای مقاومت نیز تضعیف شود.

در این چارچوب، یافته‌های پژوهش نشان داد که مداخلات روانی- اجتماعی به عنوان متغیر میانجی، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آثار منفی جنگ و افزایش تاب‌آوری اجتماعی ایفا می‌کنند. نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان نشان داد که آموزش عمومی مقابله با استرس، ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی، مدیریت اطلاع‌رسانی و مقابله با اخبار جعلی از مهم‌ترین مداخلاتی بوده‌اند که توانسته‌اند از شدت پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از بحران بکاهند. بر اساس یافته‌ها، این مداخلات نه تنها موجب کاهش تنش‌های کوتاه‌مدت و کنترل آثار اولیه بحران شده‌اند، بلکه در بازسازی سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای ظرفیت‌های انطباق‌پذیری جامعه نیز نقش مهمی داشته‌اند.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که مفهوم تاب‌آوری اجتماعی در شرایط جنگ ترکیبی باید فراتر از مفهوم سنتی مقاومت مورد توجه قرار گیرد. در رویکردهای کلاسیک، تاب‌آوری اغلب به معنای بازگشت به وضعیت پیشین تعریف می‌شود؛ اما نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در شرایط جنگ‌های نوین، تاب‌آوری به فرآیندی پویا، یادگیرنده و چندبعدی تبدیل می‌شود که شامل سازگاری، بازسازی، یادگیری اجتماعی و توسعه ظرفیت‌های مقابله‌ای است. در واقع، جامعه تاب‌آور صرفاً جامعه‌ای نیست که بتواند بحران را تحمل کند، بلکه جامعه‌ای است که بتواند از بحران بیاموزد، ظرفیت‌های خود را بازسازی کند و برای تهدیدات آینده آمادگی بیشتری به دست آورد.

یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش، تأیید چارچوب مفهومی پیشنهادی بود. بر اساس مدل پژوهش، جنگ ترکیبی از طریق ایجاد پیامدهای روانی- اجتماعی منفی بر جامعه اثر می‌گذارد، اما مداخلات روانی- اجتماعی می‌توانند نقش میانجی ایفا کرده و شدت این آثار را کاهش دهند و در نهایت تاب‌آوری جامعه را تقویت کنند. تحلیل یافته‌ها نشان داد که میان سه مؤلفه اصلی مدل،

رابطه‌ای پویا و متقابل وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرچه کیفیت و میزان مداخلات روانی_اجتماعی افزایش یابد، جامعه توان بیشتری برای سازگاری با شرایط بحرانی خواهد داشت.

بر اساس یافته‌های پژوهش و مدل مفهومی استخراج‌شده، مجموعه‌ای از راهبردهای کاربردی برای سیاست‌گذاران و نهادهای مدیریت بحران قابل ارائه است.

نخستین راهبرد، گذار از رویکرد واکنشی به رویکرد پیشگیرانه در حوزه مدیریت روانی_اجتماعی بحران‌ها است. یافته‌ها نشان داد بسیاری از اقدامات انجام‌شده در جنگ رمضان پس از وقوع بحران آغاز شده‌اند؛ در حالی که در جنگ‌های ترکیبی، زمان واکنش بسیار محدود است و هرگونه تأخیر می‌تواند موجب تشدید بحران‌های اجتماعی شود. بنابراین ضروری است آموزش‌های عمومی مرتبط با مدیریت استرس، تاب‌آوری روانی، سواد رسانه‌ای و آمادگی اجتماعی پیش از وقوع بحران طراحی و اجرا شوند. نهادهای آموزشی، دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی باید در این زمینه نقش فعالی ایفا کنند.

دومین راهبرد، توسعه نظام یکپارچه حمایت اجتماعی و روانی در شرایط بحران است. یافته‌های پژوهش نشان داد شبکه‌های حمایت اجتماعی نقش مهمی در کاهش فشارهای روانی دارند. بر این اساس، ایجاد ساختارهای رسمی برای ساماندهی گروه‌های داوطلب، سازمان‌های مردم‌نهاد، روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و نهادهای محلی می‌تواند ظرفیت پاسخ اجتماعی جامعه را در شرایط بحران افزایش دهد. تشکیل بانک اطلاعاتی نیروهای داوطلب متخصص و طراحی سازوکارهای مداخله سریع نیز می‌تواند بخشی از این راهبرد باشد.

راهبرد سوم، ایجاد سامانه هوشمند مدیریت اطلاعات و مقابله با جنگ شناختی است. یافته‌های پژوهش نشان داد بخش مهمی از بحران ناشی از اختلالات شناختی و انتشار اخبار متناقض بوده است. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود مراکز تخصصی رصد و تحلیل فضای رسانه‌ای و شناختی ایجاد شوند تا ضمن شناسایی سریع شایعات و عملیات روانی، امکان تولید و انتشار روایت‌های معتبر و مدیریت افکار عمومی فراهم شود. توسعه سواد رسانه‌ای شهروندان نیز بخش مهمی از این راهبرد محسوب می‌شود.

چهارمین راهبرد، تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت جامعه‌محور در مدیریت بحران است. یافته‌ها نشان داد جوامعی که از سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی و مشارکت برخوردارند، در

مواجهه با بحران‌ها عملکرد موفق‌تری دارند. بر این اساس، لازم است سیاست‌گذاری‌های اجتماعی به سمت تقویت مشارکت‌های محلی، افزایش اعتماد عمومی و توسعه تعامل میان دولت و جامعه حرکت کند.

بنجمین راهبرد، بهره‌گیری از ظرفیت رهبران فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در مدیریت بحران‌های ترکیبی است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد رهبران اجتماعی به دلیل برخورداری از سرمایه نمادین و اعتماد عمومی می‌توانند نقش مهمی در کاهش اضطراب اجتماعی، افزایش امید و کنترل بحران ایفا کنند. بنابراین لازم است این ظرفیت‌ها به عنوان بخشی از ساختار مدیریت بحران مورد توجه قرار گیرند.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های کلان مدیریت بحران، ابعاد روانی-اجتماعی در کنار ابعاد نظامی و امنیتی مورد توجه قرار گیرد. تجربه جنگ رمضان نشان داد که آمادگی دفاعی بدون آمادگی روانی و اجتماعی نمی‌تواند تضمین‌کننده مقاومت جامعه باشد. از این رو، طراحی الگوهای ترکیبی مدیریت بحران مبتنی بر پیوند حوزه‌های امنیتی، رسانه‌ای، اجتماعی و روان‌شناختی ضروری به نظر می‌رسد.

در حوزه مطالعات آتی نیز پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به بررسی پیامدهای بلندمدت مداخلات روانی-اجتماعی بر ساختار خانواده، سلامت روان نسل‌های مختلف و تغییرات سرمایه اجتماعی پس از بحران پردازند. همچنین انجام مطالعات تطبیقی میان جنگ رمضان و سایر نمونه‌های جنگ‌های ترکیبی معاصر می‌تواند زمینه توسعه مدل‌های نظری و کاربردی جدید را فراهم سازد. بررسی تأثیر این مداخلات در گروه‌های مختلف اجتماعی، زنان، کودکان، سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر نیز از دیگر محورهای مهم برای پژوهش‌های آینده محسوب می‌شود.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان بیان کرد که در عصر جنگ‌های ترکیبی، قدرت جوامع تنها در توان نظامی آن‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه ظرفیت‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی نیز بخشی از قدرت ملی محسوب می‌شوند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در حوزه مداخلات روانی-اجتماعی و طراحی سازوکارهای تقویت تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از مؤثرترین راهبردهای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش توانمندی جوامع در برابر تهدیدات آینده مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

- آجم‌اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز (۱۳۹۴). چرا ملت‌ها شکست می‌خورند. ترجمه محسن میردامادی و دیگران، تهران: نشر روزنه.
- احمدی، رضا؛ هوشنگی، حمید (۱۴۰۵). «طراحی سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ایران در مواجهه با تهدیدهای ترکیبی منطقه‌ای» نشریه مطالعات کشورها، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۵.
- امیری، ابوالفضل؛ سلطانی‌فر، محمد؛ و بهشتی‌نژاد، سید محمد صالح. (۱۴۰۳). نقش امنیت در مدیریت بحران‌های اجتماعی. فصلنامه مدیریت بحران‌های اجتماعی، ۱۶(۴)، ۱۱-۳۱.
- ساعدی، عبدالله. (۱۴۰۴). حکمرانی تاب‌آور: الگویی پایدار در مدیریت ریسک و بحران. فصلنامه مدیریت بحران‌های اجتماعی، ۱۷، (۳).
- عابدی، روح‌الله؛ شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۴). «نقش تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی». نشریه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴.
- ملکی، حسین؛ نیازی، محسن (۱۴۰۵). «نقش تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه نوجوانان با بحران‌های اجتماعی معاصر» دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵.
- منظور، داود (۱۴۰۴). «تحلیل راهبردی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه: رویکرد واقع‌گرایی ساختاری و ژئواکونومیک». نسخه تحلیلی تکمیلی پژوهش.
- نوری اصل، احد (۱۴۰۵). جنگ رمضان: زمینه‌ها، ابعاد و تحولات راهبردی. تهران: مرکز مطالعات آمریکا.
- نوری اصل، احد (۱۴۰۶). «پیامدهای منطقه‌ای جنگ رمضان؛ بازتعریف موازنه قدرت در غرب آسیا» مرکز مطالعات آمریکا.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty*. New York: Crown Publishers.
- Anderson, B. (1983). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London: Verso.
- Banfield, J., Brown, A., & Williams, M. (2018). *Social Resilience and Crisis Management*. New York: Routledge.
- Burns, R. (2019). *Hybrid Warfare and Social Security Challenges*. Washington, DC: Security Studies Press.
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Eichengreen, B. (2016). *Hall of Mirrors: The Great Depression, The Great Recession, and the Uses—and Misuses—of History*. Oxford: Oxford University Press.
- Haas, F. (2020). *Hybrid Warfare: New Dimensions of Contemporary Conflicts*. London: Routledge.
- Hoffman, F. G. (2007). *Conflict in the 21st Century: The Rise of Hybrid Wars*. Potomac Institute for Policy Studies.
- Inter-Agency Standing Committee (IASC). (2007). *IASC Guidelines on Mental Health and Psychosocial Support in Emergency Settings*. Geneva: IASC.

- Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community Resilience as a Metaphor, Theory, Set of Capacities, and Strategy for Disaster Readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41(1_2), 127_150.
- Priest, J. (2017). *Psychosocial Interventions in Modern Conflicts*. Oxford: Oxford University Press.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster.
- Abedi, Ruhollah; Shahmohammadi, Mohammad (2025). "The Role of Social Resilience in Managing Social Crises." *Journal of Internal Security Studies and Research*, Vol. 3, No. 1, Spring 2025. [In Persian]
- Ahmadi, Reza; Hooshangi, Hamid (2026). "Designing a Mechanism for Enhancing Iran's Social Resilience in Confronting Regional Hybrid Threats." *Journal of Country Studies*, Vol. 4, No. 3, Autumn 2026. [In Persian]
- Amiri, Abolfazl; Soltani Far, Mohammad; & Beheshti Nejad, Seyed Mohammad Saleh. (2024). The Role of Security in the Management of Social Crises. *Quarterly Journal of Social Crisis Management*, 16(4), 11_31. [In Persian]
- Maleki, Hossein; Niazi, Mohsen (2026). "The Role of Social Resilience in Adolescents' Confrontation with Contemporary Social Crises." *Second International Conference on Applied Studies in Educational Processes*, 8 May 2026. [In Persian]
- Manzoor, Davood (2025). "Strategic Analysis of the 12-Day Imposed War: A Structural Realism and Geoeconomic Approach." *Supplementary Analytical Research Version*. [In Persian]
- Noori Asl, Ahad (2026). *Ramadan War: Backgrounds, Dimensions, and Strategic Developments*. Tehran: Center for American Studies. [In Persian]
- Noori Asl, Ahad (2027). "Regional Consequences of the Ramadan War: Redefining the Balance of Power in West Asia." *Center for American Studies*. [In Persian]
- Saedi, Abdollah. (2025). Resilient Governance: A Sustainable Model in Risk and Crisis Management. *Quarterly Journal of Social Crisis Management*, 17(3). [In Persian]
- Why Nations Fail. (2015). By Daron Acemoglu and James A. Robinson. Translated by Mohsen Mirdamadi et al. Tehran: Roozaneh Publishing. [In Persian]

